میزد دیپلماسی

ترامپ و کلینتون از زاویه منافع ایران

اکبر قاسمی
سفیر پیشین در اوکراین و مولداوی

بسیاری از کارشناسان سیاسی اکنون که کمتر از چهار ماه دیگر تا برگزاری انتخابات آمریکا باقی مانده، سؤال می‌کنند پیروزی خانم کلینتون یا پیروزی آقای ترامپ، کدام‌یک، بیشتر تأمین‌کننده منافع ایران است. برای پاسخ به این سؤال، ابتدا نیاز است در ارزیابی پایلوت کوپه‌ای از سوابق کارکرد‌های رؤسای‌جمهور دموکرات و جمهوری‌خواه در قبال ایران، تحلیلی واقع‌بینانه ارائه کنیم. همگامی که دو دوره پوش پسر و اوباما و دوران وزارت خارجه خانم کلینتون را به‌عنوان مقطع قیاسی این پایلوت محاسبه کنیم، با نوعی از رویکردها و نتایج کارکردی متفاوت روبه‌رو خواهیم شد. پوش پسر هرچند در اوایل صدارت خویش با شعار و لحن محور شرارت علیه ایران، درصدد بود با مرعوب‌کردن ایران و مانور سیاسی در راستای تحقق اهداف سیاست خارجی آمریکا، موضع منعطف در ایران ایجاد کند، عملاً با حمله به عراق در سال ۲۰۰۳، موجب حذف صدام زورکو و روی کارآمدن دولت دموکراتیک متشکل از اکثریت شیعیان عراق و حذف دشمن سنتی ایران شد. خانم کلینتون در دوره اول اداره اوباما، در کام اول با اعمال سیاست‌های تحریمی فلج‌کننده، کارآمدترین خدمت را در تحقق‌یافتن آمال و امیال رژیم صهیونیستی در پرونده اتمی و صدور قطع‌نامه‌های معروف علیه ایران متبلور کرد اما در سطح نتایج این رویکرد، به بازنشستن مقاومت و پایداری ایران در قبال این رویکرد را درنهایت در قالب نتایج برجام به همراه داشت. بنابراین محصول سیاست بوش پسر نهایتاً خدمت به ایران و محصول سیاست خانم کلینتون نیز نهایتاً هرچند در مرحله اول در خدمت اهداف رژیم صهیونیستی بود، اما درنهایت با آنچه از خلال مذاکرات اصولی و خردمندانه دستگاه دیپلماسی ایران با ۵+۱ تحقق یافت، محصولی به نام توافق برجام را در برداشت که انرژی‌های متعددی را در سطح جهانی و منطقه‌ای در درجه‌اول برای ایران و سپس برای همگان آزاد کرد. چنانچه قدری عمیق‌تر بیماییش کنیم، در برتو دو رویکرد با جنس متفاوت ولی نتایج و پیامد متمایز با دو نوع تاکتیک و رفتار اولیه متفاوت، شاهد نتیجه‌گیری‌های متنوعی خواهیم بود. شاید برخی این‌گونه می‌پندارند با روی کارآمدن کاندیدای جمهوری‌خواه، عملاً به‌نفع ایران می‌توان اهداف سیاست خارجی کشور را به نتیجه رساند و برخی دیگر نیز با ارائه ارزیابی موضوعی مبتنی‌بر اینکه خانم کلینتون ناگزیر بوده از مولود و دستاوردهای دوره اوباما به دلایل عدیده ساختاری حمایت کند و با قوت به این فرایند ادامه دهد، یکی از دو نامزد را ترجیح می‌دهند؛ برخامی که نمرات آن صفحه جدیدی از نقش‌گیری هرچه بیشتر ایران را در سایه آزاد‌سازی انرژی‌های مثبت، ظرفیت‌ها و موقعیت‌های نوین در عرصه‌های جهانی و منطقه‌ای برای تقویت و استحکام امنیت داخلی و گسترش حوزه اقتدار و نفوذ خارجی با بدرش این هستای و ارودشن در حوزه بذیرفته‌شدگان کشورهای دارای چرخه سوخت اتمی و رسمیت‌یافتن غنی‌سازی در باشگاه جهانی هسته‌ای را کشود. از سوی دیگر، برخی هم با وجود آثار مثبت پیروزی کاندیدای دموکرات به از نوع شخصیت بی‌بدیلی مانند اوباما که عملاً متضمن نسخه‌ای برتر‌متر و پرسودتر برای ایران شد، بلکه از نوع خانم کلینتون که سابقه شخصی و رویکرد طرفداری صریح‌تر و عیان‌تر به‌نفع اسرائیل را دارد، موقعیت وی را در خدمت سیاست خاورمیانه رژیم صهیونیستی در مقایسه با ترامپ ارزیابی کرده و رویکرد خانم کلینتون را برای منافع ایران مبتنی‌تر و بیمخاطره‌تر می‌دانند. برخی دیگر بر آنند که به علت تنگه سیاست خارجی او را در خدمت منافع درون‌گرایی آمریکایی‌ها و تحقق منافع سفیدپوستان و توتمدمن و در تقابل با مهاجرپذیری و بیگانه‌ستیزی قلمداد می‌کنند، بیشتر در خدمت به منافع ایران می‌بینند و روی کارآمدن آن را موجب خیر و منافع برای سیاست خارجی ایران ارزیابی می‌کنند. بعضی دیگر از زاویه‌ای موضوعی‌تر و در جارچوب رویکردهای سیاست خارجی دموکرات معتقدند کلینتون درصدد بود با مجرم‌نیتن جانش ناگهی‌ماندند در تاریخ سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بعنی موضوع بیمخاطره خاورمیانه را که همان منافعه بی‌ثبات فلسطین و اسرائیل که همچون خاری در چشم ایران و منطقه بعنوان منازعه حل نشده، جعفر عرب و پهود از دریچه اصطکاک سخنی کرده است. در جارچوب کنونی تو و رویکرد دو دوره که اوباما به علت ضعف تعاملی خود در برابر نتانیاهو و فروبانی توان منطقه‌ای نتوانست به نتایج مورد نظر برسانند، با به مقصد نهایی رسانده و بوبنده پیچیده این مناقشه پرچالش را سرانجام درهم بپیچد و حل مشکل آن را به نام خود ثبت کند، آمریکا این کاپیتول با آقای ترامپ، شخصیت‌هایی قوی و مستقلند با تابعی از ساختار و ارادت‌کنندگان آمریکا هستند؟ در بدیهی‌ترین پاسخ به این پرسش، خانم کلینتون و آقای ترامپ نمی‌توانند حیلی خارج از مدار راهبردی وضع‌شده و اداره اوباما و ساختارهای حاکم بر اداره مثلث آمریکا که نمونه آن در تصمیم‌سازی‌ها و مدیریت مذاکرات برجام متبلور شد، حرکت کنند. پرواضح است راهبردهای نهادینه‌شده در دوره اوباما برایند مؤلفه‌های متعددی است که متکی به دیدگاه انفرادی شخص اوباما و شخص کری به‌تنهایی نبوده و نیست (منظور شخص محور نبوده و نیست). بویسه سیاست‌گذاری در آمریکا چندلایه و مبتنی‌بر مؤلفه‌ها متعدد و پیچیده و سرجمع ساختاری اتخاذشده از سوی شورای امنیت ملی آمریکا و برایند آرای کنگره بوده که فرایند آن سیاست راهبردی آمریکا را تنظیم می‌کند. انتزاعی‌دیدن رویکرد صرف خانم کلینتون یا ترامپ از هم‌پاشی انتخاباتی و مقایسه به حذب آرا، نمی‌تواند ما را به جمع‌بندی جامعی از همه مؤلفه‌های منافع و مضار هرکدام از آنها نائل کند. بنابراین پیش‌بینی و پیش‌داوری نسبت به اینکه کلینتون یا ترامپ در تعامل با سرشکن منافع ایران در آینده کدام به و کدام بهتر است، کاری سخت و چندمجهولی است و هرگونه داوری باید منطبق و با واقع‌گرایی توام با اولویت‌ها و رخدادهای متصور در فراروی تحولات جهانی و منطقه‌ای و به‌ویژه مرتبط به ایران باشد. به نظر می‌رسد خیلی از تحلیل‌ها به لحاظ محتوا در فرطوه‌وقوف خودش انجام نشده و عمده تحلیل‌های مطروحه براساس مفروضات ذهنی یا مصداق شاخص که لزوماً در رخدادها و مقتضیات آینده بسیاری از این رخدادها یا این جنس‌وزنه شاید شارحا حدوث نداشته و ندارند، بنابراین چگونه ما بدون اینکه وقوع رخدادها را باید به‌درستی تصور کنیم، کمانه‌ارزی عیارسنگینی را قطعی می‌شماریم. به عبارت دیگر، باید دغدغه آن را داشت که لزوماً در دل‌نگرانی اصلی مردم آمریکا به‌عنوان فلش‌های اصلی مناقع آنها باید مورد اعطا قرار گیرد، و آنها را بتوانیم به‌درستی برآورد کنیم که سرشکن آن در سرجمع آرای قاطبه مردم آمریکا متجلی می‌شود. آیا این‌بار منافع سفیدپوستان به همراه خاستگاه توتمدمن آمریکا رجحان خواهد یافت، یا ملغمه‌ای از خاستگاه آرای آمریکایی با ترکیبی از منافع سفیدپوستان و رنگین‌پوستان برتری خواهد یافت؟

ادامه در صفحه ۱۱

عبدالله ناصری در گفت‌وگو با «شرق»

ارائه نشدن مستندات دولت به مردم، می‌تواند خطرناک باشد

فرزانه آیینی

عکس: پیام خوش

می‌گوید حمایت اصلاحات از حسن روحانی، در جهت منافع ملی است. هشدار می‌دهد اگر رئیس‌جمهور همچنان به توصیه‌های اصلاح‌طلبان درباره تغییر مدیران میانی بازمانده از دولت قبل و حتی برخی وزرای ناهماهنگ با دولت بی‌توجه باشد، عرصه را به رقیبی نوظهور خواهد باخت. عبدالله ناصری، در گفت‌وگو با «شرق»، خبر می‌دهد جریان اصلاحات در ماه‌های آتی که فضای رقابت‌های انتخاباتی کلید می‌خورد تقاضا نه‌تر به عملکرد دولت خواهند پرداخت.

■ مدتی است برخی چهره‌های جناح راست هم به خیل گروه‌های تندرو و رسانه‌های پرشمارشان پیوسته‌اند و بحث نارضایتی مردم از عملکرد دولت روحانی را هدف قرار داده و روی آن مانور می‌دهند. آنها تلاش دارند القا کنند حسن روحانی یک رئیس‌جمهور تک‌دوره‌ای است؛ درحالی‌که در اغلب دولت‌های گذشته مردم برای رؤسای‌جمهور منتخبشان برای دو دوره متوالی پای صندوق‌های رأی آمده‌اند... این تلاش‌ها و تکاپوها برای چیست؟

تلاش برای تک‌دوره‌ای‌شدن ریاست‌جمهوری حسن روحانی برای جریان تندروی اصولگرا دلایل مختلفی دارد، اما مهم‌ترین آن می‌تواند دوری آنها از منابع ثروت و قدرت باشد و امیدواریشان برای کسب مجدد جایگاهی که در هشت سال دولت احمدی‌نژاد داشتند.

رقیب روحانی خوب می‌داند توفیقات هسته‌ای که دیپلماسی دولت یازدهم برای نظام به ارمغان آورد توجه مردم را جلب کرده است. همچنین طیف رادیکال اصولگرا با توجه به شکست سختی که در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ و انتخابات مجلس شورای اسلامی ۹۴ از ائتلاف اعمیا خورده‌اند، می‌خواهند به هر سبک و روشی که شده روحانی را کنار بزنند و به قدرت برگردند؛ درحالی‌که هم اصلاح‌طلبان و هم جریان معتدل و عاقل جناح راست با وجود برخی کاستی‌های دولت، بویژه در حوزه اقتصاد و سیاست داخلی همچنان بای حمایت از روحانی ایستاده‌اند؛ چراکه دستاورد برجام در عرصه بین‌المللی و ایجاد توازن بین دولت و برخی جمع‌های شبه‌دولتی در سیاست داخلی کوچک از سوی حسن روحانی و پیروزی تقدیرشدنی و مهم هستند که به‌راحتی نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

■ مردم در انتخابات مجلس دهم و خبرگان رهبری که اسفند گذشته برگزار شد آمدند و در حمایت از ائتلاف امید آرایشان را به صندوق‌های انتخاباتی ریختند. آنچنان که بیشتر چهره‌های شاخص اصولگرا را رهایی به مجلس بازماندند و درباره انتخابات مجلس خبرگان در تهران هم برخی چهره‌های شناخته‌شده منتسب به طیف خاص با رای نیاوردند با حداقل آرا را کسب کردند و در انتهای فهرست برگزیده‌شدگان موفق به راهیابی به مجلس شدند. با این حمایت درخور توجهی که مردم در هم‌راهی با ائتلاف امید نشان دادند، به نظرتان باز هم این هیاهوی تندروها می‌تواند خطری برای اردوگاه روحانی و حامیانش محسوب شود؟

متأسفانه تندروها با انتقادات مکررشان و ترویجش ویژه و پرسوصدایی که در اختیار دارند، موفق شده‌اند بخشی از افکار عمومی را به سمت خودشان متوجه کنند. این امر البته دلایل دیگری هم جز انتقادات برنامه و عملکرد دولت دارد که اولین دلیل می‌تواند فقدان سامانه اطلاع‌رسانی به‌روز و قوی دولت باشد

> اصلاح‌طلبان و حتی اصلاح‌طلبان میانه‌رو پای روحانی می‌ایستند؛ اما آقای روحانی برای اینکه مسیر آرام و آسوده‌ای را در انتخابات ۹۶ داشته باشد، باید به توصیه اصلاح‌طلبان گوش کند و تحولات محسوسی را در عرصه مدیریت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد کند و این توصیه تغییر برخی مدیران و وزرای ناهمسو با دولت امید است

■ سنگ‌اندازی و مانع‌تراشی‌های رقبای روحانی هرچه به درگیری‌های فراوانی برای دولت در ماه‌های سرنوشت‌ساز منتهی به انتخابات فراهم آورده است». یا مدعی می‌شوند: «با نگاهی متوجه خواهیم شد این وعده‌های اقتصادی روحانی در ایام انتخابات ۹۲، مانند یومرنگی بر سر دولت تدبیر و امید بازگشته و هموار انتقادات را به پاستورنشینان وارد آورده است. یعنی به‌بیان‌دیگر، دولت از پرداختن به موضوعی مانند پرداخت عادلانه ثروت حذر می‌کند. به‌همین‌دلیل اهالی پاستور اصلاً خوشنشین نمی‌آید به این مسئله پرداخته شود و مردم به بازخوانی وعده‌های رئیس جمهور روحانی در زمان انتخابات بپردازند؛ چراکه با این وجود هیچ عنوان نمی‌توانند اعتماد مردم را در انتخابات پیش‌رو جلب کنند».

نقد و تعارض

با خودان این دست مطالب و رفتارهای افراطیون به نظر می‌رسد فناء نقدفسا از اتاق نقد خارج شده که به وضعیت تعارض رسیده و طرف مقابل تمامی هَمّ خود را کنایه‌است که به هدفش که حذف دولت روحانی است، برسد. انکار یا تبری از دولت روحانی شاهد معجزه بوده‌اند و در این حال است که اوچرچه نقد و کنترل هر دولتی جزء وظایف اعلامی، احزاب، گروه‌ها و رسانه‌هاست اما نگاهی به گذشته اصولگرایان و دولت ذی‌نامشان- حکایت از ناکارآمدی آنها دارد و حتی در بحث برخی طیف‌های حقوقی که خود رئیس جمهور شد دستور بی‌کیری آن داد، در هشت سال قبل از دولت روحانی، مبالغ عنگفت‌تری به بهانه‌های گونه گون از کیسه خانه رفته بود و بر همین مبنا بود که در همین تبرهایی که پشت‌سر گذاشته شد، اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور دولت یازدهم، از ماجرای اعطای پاداش از سوی محمود احمدی‌نژاد به مقامات دولتی در دولت دهم تحت عنوان اعطای نشان ملی پرده برداشت و گفت این پاداش‌ها که در مجموع دومیلیارد و ۶۵۳ میلیون تومان بوده است؛ در مراسمی که مخابنه برگزار شد، به مسئولین و وزیران دولت دهم از طرف محمود احمدی‌نژاد اهدا شده است. چنین است که نگاهی خلاصه‌وار به عملکرد دولت نهم و دهم، نشان از دعوای قدرت افراطیون می‌دهد و لاغیر؛ چراکه قصورات قانونی در آن هشت‌سالی که رئیس‌جمهور بود، کمتر کم نمی‌آید؛ از کم‌شدن دلق نفتی ۸۰ میلیون‌دلاری تا اختلاس گسترده بانکی و البته اختلاس ۱۱ هزارمیلیارد تومانی، تابدیدشدن ۱۲۶ هزار تن چای در سازمان چای کشور و... .

دولت روحانی چه کرده است؟

انتظار معجزه از دولتی که در بیشترسو و مقابل دولت پل‌های خراب‌شده بسیاری می‌دید، قطعا انتظاری ناجایست؛ بااین‌حال، ولی به‌عنوان اولین و مهم‌ترین کام، توافق هسته‌ای با توجه به تمام حواشی که داشت، کار بسیار بزرگی بود که رئیس‌جمهور به انجام شد و قطعا مهم‌ترین دستاورد دولت، ایجاد شیطرنج ثابت برای اقتصاد ایران بود. ضمن اینکه حرمت و شأن ایران بار دیگر در جهان بالا رفت و این البته نتیجه کمی نبود. اما از یک سو دیگر دستاورد طبیعی بعدی بازگشت تولید و فروش نفت به شرایط پیش از تحریم‌ها و البته آزادشدن ارزهای بلوکه‌شده و به‌روال عادی برگشتن ارتباطات بانکی با جهان که توانست موجب نجات بسیاری از مالی دولت را از تنگنا نجات دهد، به مهیای وزیران دولت دهم از طرح مطرحه احمدی‌نژاد اهدا شده است. چنین است که نگاهی خلاصه‌وار به عملکرد دولت نهم و دهم، نشان از دعوای قدرت افراطیون می‌دهد و لاغیر؛ چراکه قصورات قانونی در آن هشت‌سالی که رئیس‌جمهور بود، کمتر کم نمی‌آید؛ از کم‌شدن دلق نفتی ۸۰ میلیون‌دلاری رفته به چشم کم نمی‌آید؛ از کم‌شدن دلق نفتی ۸۰ میلیون‌دلاری تا اختلاس گسترده بانکی و البته اختلاس ۱۱ هزارمیلیارد تومانی، تابدیدشدن ۱۲۶ هزار تن چای در سازمان چای کشور و... .

بیینید، این جریان تندرو و افراطی در دوران محمود احمدی‌نژاد و در زمان مجلس هفتم تا دهم موسسات وسیعی را در سطح کشور ایجاد کردند که توانمندی‌های اقتصادی بسیار عظیمی را برای آنها به ارمغان آورد. همان‌طور که اخیرا هم گوشه‌ای از آن، یعنی ماجرای فیش‌های حقوقی نجومی خبرساز شد، پس جدل آنها بر سر پایگاه‌های اقتصادی است، نه تلاش برای حل مشکلات مردم.

■ تحلیلگران می‌گویند مهم‌ترین فاکتور در موفق شد یا نشدن دولت‌ها با اراده رئیس‌جمهورها ارتباط مستقیم دارد؟ به نظرتان در ماجرای فیش‌های حقوقی و جنجال‌سازی‌های این چنینی علیه دولت، روحانی مستقل و با اراده عمل کرده است؟

ماجرای فیش‌های حقوقی نجومی دستاورد دولت قبل از روحانی است که حالا دامن دولت او را گرفته است؛ بینشهد من به روحانی این است که باید خیلی صریح و قاطع در قبال ماجرای فیش‌های حقوقی بایستد و از این دام برای خودش موفقیت بی‌بدیلی بیافریند. دراین‌میان تاکنون هرچند روحانی موفق شده بیانی محکم و ستودنی داشته باشد؛ اما هنوز گزارش میسوطی از

> اصلاح‌طلبان و حتی اصلاح‌طلبان میانه‌رو پای روحانی می‌ایستند؛ اما آقای روحانی برای اینکه مسیر آرام و آسوده‌ای را در انتخابات ۹۶ داشته باشد، باید به توصیه اصلاح‌طلبان گوش کند و تحولات محسوسی را در عرصه مدیریت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد کند و این توصیه تغییر برخی مدیران و وزرای ناهمسو با دولت امید است

مقابله او و دولتش با ماجرای فیش‌های حقوقی به مردم و حتی نخبگان ارائه نشده است که این سکوت و ارائه‌ندادن مستندات به مردم می‌تواند برای او خطرناک باشد.

■ سکت‌اندازی و مانع‌تراشی‌های رقبای روحانی هرچه به انتخابات نزدیک‌تر شویم، بزرگ‌تر و خبرسازتر می‌شود. حالا روحانی و تیمش در آستانه انتخابات چه باید بکنند؟ برخی می‌گویند چون مجلس یا او همراه‌تر شده، باید سنگش را با برخی از وزرا که خیلی با کابینه سازگار نیستند، و اکنند و آنها را تغییر دهد؟ شما دراین‌باره چه فکری می‌کنید؟

خوشبختانه همان‌طور که شاهد هستیم، جریان معتدل جناح راست هم جنجال‌آفرینی‌های اصولگرا را به خوبی شناخته است و این جمع شانسی نزد عقلای ارده‌گاه جناح راست ندارند؛ اما این به این معنا نیست که روحانی برای رأی‌آوری در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ مانعی ندارد و همه چیز برای او مهیاست. جامعه ایران جامعه پیش‌بینی‌ناپذیری است و جامعه‌ای است با مختصات خاص خودش که هیچ‌گاه نمی‌شود درباره آن با قاطعیت پیش‌بینی کرد. من فکر می‌کنم روحانی اگر می‌خواهد همچنان ریاست‌جمهوری را در اختیار داشته باشد، باید برخی مهره‌های دولتش را از چند نفر از وزرا گرفته تا مدیران میانی شهرها و استان‌ها که یادگار دولت قبلی هستند، تغییر دهد.

> رقیب روحانی خوب می‌داند توفیقات هسته‌ای که دیپلماسی دولت یازدهم برای نظام به ارمغان آورد توجه مردم را جلب کرده است. همچنین طیف رادیکال اصولگرا با توجه به شکست سختی که در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ و انتخابات مجلس شورای اسلامی ۹۴ از ائتلاف امید خورده‌اند، می‌خواهند به هر سبک و روشی که شده روحانی را کنار بزنند و به قدرت برگردند

■ به نظرتان پشتوانه مردمی و جایگاه اجتماعی روحانی و دولت امید نسبت به خرداد ۹۲ چه تغییری کرده است. آیا روحانی و تیمش توانسته این پایگاه اجتماعی را حفظ یا تقویت کند؟

سازمان رأی حسن روحانی به دو بخش تقسیم می‌شود، یک بخش اصلی که آن را اصلاح‌طلبان و هواداران‌شان تشکیل می‌دهند و یک بخش فرعی که شکل‌گرفته از معتدل‌های جریان راست است. خود دولت، بدنه حزبی قوی و سازمانده‌شده‌ای ندارد که بیاید و ادعا کند با بسیج آرای حزب اعتدال و توسعه می‌تواند پیروز رقابت‌ها شود. در اینجاست که در کنار شهرهای بزرگ و بایختخت هم آرای نقاط مرزی، مناطق محروم و حوزه‌های روستایی، مهم و تأثیرگذار می‌شود که متأسفانه همان‌طور که اشاره کردم، بیشتر مدیران میانی این مناطق که می‌توانند بر رأی مردم تأثیر بگذارند، یادگاران احمدی‌نژاد هستند. تاریخ نشان داده است که اگرچه مدیرانی از جنس تفکرات دیگر با دولت‌ها در سه سال اولیه فعالیت‌شان هماهنگ و هم‌قدم هستند؛ اما در ماه‌های پایانی عمر دولت و در برنگاه‌های سیاسی- انتخاباتی تغییر رویه می‌دهند و چرخش‌های بزرگی از خود نشان می‌دهند که به ضرر دولت تمام می‌شود.

■ اصلاح‌طلبان موانع کارروحانی را به خوبی می‌دانند و شرایط و سختی‌های کار دولت را می‌شناسند. برخی چهره‌های این جریان گفته‌اند که همچنان از او در انتخابات آینده حمایت خواهند کرد. این حمایت برای چهار سال دیگر مواضع اصلاح‌طلبان در برابر هوادارانشان را خدشه‌دار نمی‌کند؟

پاسخ سؤالتان را روشن و صریح می‌دهم. اصلاح‌طلبان و حتی اصولگرایان میانه‌رو پای روحانی می‌ایستند؛ اما آقای روحانی برای اینکه مسیر آرام و آسوده‌ای را در انتخابات ۹۶ داشته باشد، باید به توصیه اصلاح‌طلبان گوش کند و تحولات محسوسی را در عرصه مدیریت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد کند و این توصیه تغییر برخی مدیران و وزرای ناهمسو با دولت امید است.

> رقیب روحانی خوب می‌داند توفیقات هسته‌ای که دیپلماسی دولت یازدهم برای نظام به ارمغان آورد توجه مردم را جلب کرده است. همچنین طیف رادیکال اصولگرا با توجه به شکست سختی که در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ و انتخابات مجلس شورای اسلامی ۹۴ از ائتلاف امید خورده‌اند، می‌خواهند به هر سبک و روشی که شده روحانی را کنار بزنند و به قدرت برگردند

روحانی خوب باید میداندار این تغییرات شود و هزینه این تغییرات را به دوش بکشد. روحانی باید بدون وقت‌کشی و تردید دست به تغییر در کابینه بزند. کزینه‌های مطبوعه‌ی را به مجلس معرفی کند، مجلس هم آماده است در این هفت، هشت ماه باقی‌مانده از عمر دولت یازدهم به وزرای پیشنهادی روحانی رأی اعتماد دهد.

■ در مقابل هم شایعه حضور احمدی‌نژاد مطرح است و خوب می‌دانیم او چگونه می‌تواند از فضا به سود خودش بهره ببرد و از تأثیر او بر توده مردم شهرهای کوچک و روستاها که هشت سال برای جلب نظرشان تلاش کرد، خبر داریم. به نظرتان حضور انتخاباتی احمدی‌نژاد می‌تواند زنگ خطری برای روحانی باشد؟

با توجه به سابقه رد‌صلاحیت اکبر هاشمی‌رفسنجانی در انتخابات ۹۲ از سوی شورای نگهبان، رد‌صلاحیت محمود احمدی‌نژاد از سوی این شورا پیش‌بینی می‌شود و برای من محرز است که احمدی‌نژاد تأیید صلاحیت نخواهد شد. پس او و همفکرانش که در انتخابات ۹۲ عرصه را به روحانی باختند، نمی‌توانند برای روحانی خطرناک باشند.

■ با این اوصاف و با توجه به اینکه در اردوگاه اصولگرایان چهره‌ای که اعتماد همه جریان‌های این جناح را جلب کند، وجود ندارد، روحانی باید از چه نگران باشد که برای انتخابات ۹۶ برنامه‌ریزی کند؟

اگر دولت همچنان در عرصه اقتصادی موفق ظاهر نشود و در ماه‌های پیش‌رو تدبیری برای اوضاع معیشتی مردم نیندیشد، مردم قطعا جذب چهره‌ای نوظهور با سخنان و وعده‌های دلنشین اقتصادی خواهند شد. پس روحانی باید هوشیار باشد و تدبیر جدی در این زمین اتخاذ کند.

■ در لایه‌لای صحبت‌هایتان اشاره کردید که از سوی اصلاح‌طلبان به حسن روحانی بارها و بارها توصیه شده است مدیران میانی بازمانده از دولت قبلی و برخی وزرای ناهماهنگ با دولتش را تغییر دهد. این توصیه‌ها کی و از سوی چه کسانی به حسن روحانی شده است؟

از همان آغازیه‌کار، دولت یازدهم چهره‌های اصلاحات و بزرگان معتدل نظام در دیدارهای خصوصی‌شان با حسن روحانی به او توصیه‌های مؤکدی درباره به‌کارگیری و انتخابات مدیری داشته‌اند. این توصیه‌ها مدام به حسن روحانی مستقیم و غیرمستقیم از سوی رسانه‌ها رسانده شده است.

■ اینکه توصیه‌های اصلاح‌طلبان چندان جدی گرفته نمی‌شود و در سیاست داخلی هم شعارهای انتخاباتی، بعد از گذشت سه سال به آن صورت اجرائی نشده، فکر نمی‌کنید پشتوانه اجتماعی روحانی را با علامت‌سؤال‌هایی برای تداوم همراهی با دولت مواجه می‌کند؟

قطعا بی‌تأثیر نیست، اما مردم شرایط سیاسی کشور را خوب درک کرده‌اند و می‌دانند چه سبب شد که اصلاح‌طلبان در انتخابات ۹۲ خواهان کناره‌گیری کاندیدای اصلاحات به نفع حسن روحانی شدند. اصلاح‌طلبان در شرایطی نیستند که به اوضاع ایده‌ال فکر کنند؛ باید در جو سیاسی‌ای که وجود دارد تصمیم بگیرند و نقش‌آفرینی کنند. همین‌ها سبب می‌شود که همچنان از حسن روحانی حمایت کنند.

■ فکر نمی‌کنید، بهتر باشد ملا با حسن روحانی وارد مذاکره شوید و بکوبید شرایط اصلاحات برای حیات مجدد، رعایت این خطوط است؟

ببینید، اصلاح‌طلبان الان در شرایطی نیستند که ایده‌آل‌هایشان را در دستور کار قرار دهند. الان مهم‌ترین اصل برای اصلاحات منافع ملت و حفظ حداقل‌هاست. ضمن اینکه شخصیت و تیپ رفتاری حسن روحانی هم به این صورت نیست که اما و اگر بیاورد.

یادداشت وارده

مدیر خدمتگزار

مصطفی ایزدی

رسم دیرینه بر این است که در پی درگذشت رجال سیاسی، مذهبی، اجتماعی، هنری و فرهنگی جامعه ما، برای نکوداشت نام و یاد آنها سنگ تمام می‌گذارند، اما چه بسیار افراد بی‌نام‌ونشانی هستند که شایستگی نکوداشت و تکریم در دوران حیات و پس از حیات دارند اما به دلیل اینکه در ردیف نامداران عرصه اجتماع نیستند، کسی ارزش‌های وجودی آنان را به افکار عمومی منتقل نمی‌کند. در این یادداشت، به شخصیت و مرام یکی از مدیران سازمان صداوسیما که دو سه روز قبل به لقاءالله پیوسته، می‌پردازم تا نام یک مدیر خدمتگزار و یک انسان وارسته به یادگار بماند. مدیری که ۲۱ سال به طور مدام در سازمان خدمت کرد. ۳۵ سال از این مدت را در سمت‌های مدیرکلی و مدیرعاملی سپری کرد و تا روزهای آخر عمر شریفش در دفتر خود حضور داشت. جعفر رحمانی در سال ۱۳۵۴ به‌عنوان کارمند جزء انبار وارد رادیو تلویزیون ملی ایران شد. جوان ۳۰ ساله متدینی بود که به استخدام سازمان درآمد و در آن سال‌هایی که متدینین به رادیو تلویزیون نمی‌رفتند یا به‌سختی جذب می‌شدند، این جعفر رحمانی بود که ضمن حفظ مرام دینی‌اش، تا پیروزی انقلاب اسلامی در انبار کار کرد. با پیروزی انقلاب، در ایجاد نمازخانه و همکاری با مدیران انقلابی پیشگام شد. به‌مرور از انبار بیرون آمد و به دلیل شایستگی‌های ایفا شده، به مدیریت رسید. از سال ۱۳۶۰ که با او آشنا شدم تا همین چند روز پیش که به رحمت خدا پیوست، سال‌هایی چند مدیرکل امور اجتماعی رفاهی سازمان بود. سال‌هایی چند مدیرعامل تعاونی مصرف و پس از بازنشستگی، یعنی حدود ۱۶ سال مدیرعامل شرکت پشتیبانی خدمات صداوسیما بود. این مدیریت‌ها جملگی درون‌سازمانی بود. اما چنان در حوزه‌های گوناگون و بخش‌های گسترده صداوسیما نقش داشت که تمامی مدیران و در مواقعی هم تمام پرسنل با ایشان سروکار داشتند. بنابراین رحمانی یکی از شناخته‌شده‌ترین مدیران داخلی سازمان از بدو پیروزی انقلاب تاکنون بود. اما ویژگی‌های او کـه انگیزه‌ام از نگارش این نوشته شد، همانا برشمردن آنهاست که او را در مدیریت موفق و مستدام کرد.

۱- جعفر رحمانی تحصیلات آکادمیک نداشت اما به دلیل برخورداری از حافظه بسیار قوی، با ادبیات فارسی، قرآن و آموزه‌های آن و دانش اداری بسیار دمساز بود. به میزان قابل‌توجهی شعر و آیه‌های قرآن در حافظه داشت و بهره‌گیری از داشته‌های ذهنی‌اش، به‌موقع، سریع و متناسب بود. ناگفته نماند که در سال‌های آخر عمرش، شعر هم می‌سرود و اشعار او در حـدی از پختگی و قوام بود که اهل فن آنها را می‌پذیرفتند. در مجموع او فردی باسواد و روشن‌بین بود.

این کزاره نشان می‌دهد که مدیران بی‌کدوفر می‌توانند در هر موقعیت اداری و اجرائی که هستند، از مطالعه فروگـذار نکنند و از همه لحظات عمرشـان در راسـتای دانایی و فرهیختگی استفاده کنند. خیلی‌رحمانی- تعبیری که ردهای کوتاگون سـازمان صداوسیما برای جعفر رحمانی به کار می‌بردند- به جای بهره‌گرفتن از موقعیت شـغلی و بعضی رانت‌های مـدرک دکترایی که دیگران بی‌زحمت رسـیدند و بـه آن افتخار می‌کنند، مطالعه کرد و مطالعه کرد تا به دیگران بیاموزد.

۲- شـاخص‌ترین ویژگـی جعفر رحمانی، زبان شـیرین، شـادی‌آور و طنزهای فراوان او بوده که هر مخاطبی را چه در جمع دوسـتان و چه در برخورد با فردی که به دیدارش آمده بود، شـاد می‌کرد. خندانـدن دیگران، تبدیل شـدن به زیبا، جاذبـه و لودگی نبود. از جاذبه‌های او بود. مقام و موقعیت مخاطبان نیز براین تفاوت نداشـت. در مقابل برابـر سازمان همان‌گونه ناگفته نماند که در سال‌های آخر عمرش، شعر هم می‌سرود و اشعار او در حـدی از پختگی و قوام بود که اهل فن آنها را می‌پذیرفتند. در مجموع او فردی باسواد و روشن‌بین بود.

۳- شـاخص‌ترین ویژگـی جعفر رحمانی، زبان شـیرین، شـادی‌آور و طنزهای فراوان او بوده که هر مخاطبی را چه در جمع دوسـتان و چه در برخورد با فردی که به دیدارش آمده بود، شـاد می‌کرد. خندانـدن دیگران، تبدیل شـدن به زیبا، جاذبـه و لودگی نبود. از جاذبه‌های او بود. مقام و موقعیت مخاطبان نیز براین تفاوت نداشـت. در مقابل برابـر سازمان همان‌گونه ناگفته نماند که در سال‌های آخر عمرش، شعر هم می‌سرود و اشعار او در حـدی از پختگی و قوام بود که اهل فن آنها را می‌پذیرفتند. در مجموع او فردی باسواد و روشن‌بین بود.

این کزاره نشان می‌دهد که مدیران بی‌کدوفر می‌توانند در هر موقعیت اداری و اجرائی که هسـتند، از مطالعه فروگـذار نکنند و از همه لحظات عمرشـان در راسـتای دانایی و فرهیختگی استفاده کنند. خیلی‌رحمانی- تعبیری که ردهای کوتاگون سـازمان صداوسیما برای جعفر رحمانی به کار می‌بردند- به جای بهره‌گرفتن از موقعیت شـغلی و بعضی رانت‌های مـدرک دکترایی که دیگران بی‌زحمت رسـیدند و بـه آن افتخار می‌کنند، مطالعه کرد و مطالعه کرد تا به دیگران بیاموزد.

۴- شـاخص‌ترین ویژگـی جعفر رحمانی، زبان شـیرین، شـادی‌آور و طنزهای فراوان او بوده که هر مخاطبی را چه در جمع دوسـتان و چه در برخورد با فردی که به دیدارش آمده بود، شـاد می‌کرد. خندانـدن دیگران، تبدیل شـدن به زیبا، جاذبـه و لودگی نبود. از جاذبه‌های او بود. مقام و موقعیت مخاطبان نیز براین تفاوت نداشـت. در مقابل برابـر سازمان همان‌گونه ناگفته نماند که در سال‌های آخر عمرش، شعر هم می‌سرود و اشعار او در حـدی از پختگی و قوام بود که اهل فن آنها را می‌پذیرفتند. در مجموع او فردی باسواد و روشن‌بین بود.

۵- جعفر رحمانی تحصیلات آکادمیک نداشت اما به دلیل برخورداری از حافظه بسیار قوی، با ادبیات فارسی، قرآن و آموزه‌های آن و دانش اداری بسیار دمساز بود. به میزان ق